



شناسایی و تحلیل فصول چهارگانه در شاهنامه‌نگاری بر اساس نظریه میتوس نورتروپ فرای

ساناز اسدی*  - نادیا معقولی** 

دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر - استادیار پژوهش هنر
دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

چکیده

نقد اسطوره‌ای رویکردی، میان رشته‌ای بر پایه انسان‌شناختی، روان‌شناسی، تاریخ ادیان و تاریخ تمدن است که به تأویل اثر و بن‌مایه‌های موجود در آن می‌پردازد. این مقاله با روش تحلیلی - تطبیقی و رویکرد نقد اسطوره‌ای، به تفسیر و تحلیل نگاره‌های «شاهنامه شاملو» بر اساس الگوهای ساختارگرایانه نورتروپ فرای، پرداخته است. کمبود پژوهش‌های اسطوره‌ای در آثار هنری، ضرورت این تحقیق را نمایان می‌کند. بیشتر این تحقیقات در زمینه ادبیات و متون ادبی شاهنامه بوده و تا کنون پژوهشی با استفاده از نظریات فرای بر روی آثار هنری صورت نگرفته است. هدف این پژوهش، شناسایی نمادها و کهن‌الگوهای موجود در نگاره‌های شاهنامه شاملو و قرار دادن آن در نظریه میتوس فرای، بر اساس روش نقد اسطوره‌ای است و از این میان، هشت نگاره مرتبط با جنگ بزرگ کیخسرو تحلیل شده است. نتایج بدست آمده نشان از آن دارد که در روایت جنگ بزرگ کیخسرو، بیشترین نزدیکی را در چرخه فصول با میتوس رمانس و کمدی و کمترین ارتباط را با گونه تراژدی و هزل دارد.

کلیدواژه: نقد اسطوره‌ای، شاهنامه شاملو، نظریه میتوس، نورتروپ فرای، جنگ بزرگ.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲

*Email: sanazasadi0808@yahoo.com

**Email: n.maghuly@gmail.com (نویسنده مسئول)

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر است.

مقدمه

اسطوره‌ها بخش بزرگی از باورهای انسان هستند، که در نقش دادن به ذهنیت و ناخودآگاه فردی و جمعی نقش مهمی دارند. اساطیر نه تنها بازتاب مفاهیم بنیادین زندگی در انسان، بلکه منشورهای هستند که انسان بر طبق آن زندگی می‌کند و می‌تواند توجیه منطقی موجودیت یک جامعه باشند. شناخت اساطیر، کلیدی برای شناخت آیین‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست. فرای با ارائه نظریه نظام سنت مشترک ادبی که هم‌راستا با روح زمانه است و با تعریف الگوهای ساختارگرایانه، در نگاهی کلان تمام گونه‌های ادبی و هنری را در یک چارچوب مشترک قرار داده است. این پژوهش سعی نموده است، روایت کهن‌الگو جنگ بزرگ را بر اساس چرخه فصول در نظریه نقد اسطوره‌ای فرای، مورد بررسی قرار دهد و با شناسایی عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری این چرخه به تحلیل نگاره‌های مورد نظر در نسخه شاهنامه شاملو پردازد.

بیان مسأله

اسطوره روایت و جلوه‌ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان‌شناختی یک قوم، به منظور تفسیر خود از هستی است؛ سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه‌ای نمادین، تخیلی و وهم‌انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت، و درنهایت، به شیوه تمثیلی کاوشگر هستی است. (اسماعیل پور مطلق ۱۳۸۷: ۱۴-۱۳) وجوه مشترک آرمان‌ها، اعتقادات آیینی، آرزوها و خواسته‌های بشر به صورت نظام‌مندی در آثار ادبی بزرگ جهان در فرهنگ‌های مختلف ظهور کرده است. این تجلی خاصه در ادبیات، به صورت ترسیم الگوهایی از شخصیت‌های قهرمانی است که توانایی رسیدن و حتی رساندن جامعه به جایگاه مطلوب را دارد. شاهنامه یکی از آثار ادبی بزرگ جهان و بیانگر ساختارهای طبقاتی، فرهنگی و ویژگی‌های کهن‌الگویی یک فرهنگ است.

«در شاهنامه به تناسب موضوع که اثری اساطیری و حماسی است داستان‌های فراوانی وجود دارد که کهن‌الگو موجود در ناخودآگاه جمعی ایرانی در آن تجلی یافته است. یکی از این کهن‌الگوها جنگ بزرگ کیخسرو است. داستان جنگ بزرگ کیخسرو که یک بار پیش از این به صورت اسطوره بارانزایی متجلی شده، دوباره با حمله افراسیاب به ایران، رواج خشکسالی، کشته شدن سیاوش و برهم خوردن نظم کیهانی و شکسته شدن ساختار آسمانی روی زمین دوباره فعال شده و در حماسه ملی ایرانیان متجلی شده است.» (رویانی ۱۳۹۳: ۶۹)

آنچه در این تحقیق بدان پرداخته می‌شود، تحلیل اسطوره‌ای بر اساس نظریات نورترتروپ فرای^۱، منتقد بنام اسطوره‌گرا، در نسخه مورد نظر «شاهنامه شاملو» است. «شاهنامه شاملو نسخه نفیس نو یافته دوره صفوی است که در سال ۱۰۰۸ ه.ق به سفارش حسین‌خان شاملو در دارالسلطنه هرات اتمام یافته است.» (حسینی‌راد ۱۳۹۲: ۴۳)

از آنجا که تحلیل اساطیری آثار ادبی با رویکردهای متفاوتی انجام شده است و هر یک در عین استناد به یک مکتب یا روش معین، هدف خاص خود را دنبال کرده‌اند، فرای با درک وجوه مشترک میان آثار ادبی از دیدگاه اسطوره‌شناسی و پردازش قهرمان، و ریشه‌یابی نقاط اشتراک میان این مفاهیم در بخش بزرگی از ادبیات جهان، به این نتیجه می‌رسد که آثار ادبی و هنری فارغ از فرهنگ، زبان و زمانی که در آن متولد می‌شوند همواره از یک الگوی کلی مشترک پیروی می‌کنند. وی با استناد به این وجه اشتراک، مفهوم نظام سنت مشترک ادبی را مطرح کرد. بر پایه این مفهوم، فرای الگویی برای تحلیل و نقد کهن‌الگوی آثار ادبی مطرح کرد که با استناد به آن نه تنها می‌توان اشتراک میان الگوهای قهرمانی در آثار ادبی متفاوت و به موازات یکدیگر را نقد کرد، بلکه می‌توان آنرا مبنای برای مقایسه روند پردازش قهرمان‌ها و شخصیت‌های آثار ادبی قرار داد. ویژگی مهم در نقد اسطوره‌شناسی فرای، حضور گسترده تقابل‌هاست: تقابل خیر و شر، خوبی و بدی، مقدس و نامقدس، نور و تاریکی، زایش و نازایی، زندگی و مرگ که همه این تقابل‌ها توسط اسطوره‌های گوناگون متجلی می‌شود. حال این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان الگوهای تصویری مورد نظر فرای را علاوه بر روایت داستان بر روی نگاره‌ها نیز کندوکاو کرد؟

1. Northrop Frye

اهمیت و ضرورت پژوهش

شاهنامه به عنوان اثری که دارای درونمایه‌ای عمیقاً اسطوره‌ای است، و همچنین به دلایل گوناگونی همچون مضامین عمیق انسانی، تصویرپردازی‌های اسطوره‌ای و حماسی و نیز مقبولیت و رواج عمومی، اثری مناسب برای تصویرسازی محسوب می‌شد. یکی از نظریات برای تحلیل اسطوره‌های شاهنامه، نظریه میتوس^۱ نورتروپ فرای است که مبتنی بر چرخه فصول است. او معتقد است در بطن آثار ادبی (حتی آثار به شدت واقع‌گرا) پیرنگ‌ها و گونه‌های اساطیری موجود است. در این نظریه چهار نوع روایت اصلی وجود دارد که جایگزین چهار الگوی اصلی اساطیری است و با چرخه فصول قابل تجسم است. این تجسم را می‌توان، با دنبال کردن ردپای اسطوره‌ها و عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت‌ها و شناسایی عناصر تصویری در نگاره‌های شاهنامه آشکار ساخت. نکته قابل توجه دیگر درباره نسخه شاهنامه شاملو این است که این نسخه پیش از انقلاب در اختیار دفتر مخصوص فرح پهلوی قرار داشته و تا سال‌ها پس از انقلاب نیز دسترسی به آن مقدور نبوده و از این رو در میان شاهنامه‌های موجود، اثری قابل توجه برای بررسی با این رویکرد است.

روش پژوهش

این پژوهش که از لحاظ ماهیت بنیادی و به لحاظ هدف تحلیلی - تطبیقی است، سعی دارد تا با نقد اسطوره‌ای (با گرایش میتوس)، به تفسیر جنگ بزرگ کیخسرو، و پس از آن با توجه به تصویرها و کهن‌الگوی موجود در نمونه‌های ذکر شده در پژوهش، به تحلیل و تفسیر نگاره‌ها بر اساس نظریه فصول چهارگانه فرای پرداخته شود.

1. Mythos

سؤال پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- ۱- روایت جنگ بزرگ بر اساس نظریه نقد اسطوره‌ای فرای چگونه مطرح می‌شود؟
- ۲- نظریه چهارگانه میتوس در نگاره‌های شاهنامه شاملو چگونه ظاهر شده است؟

پیشینه پژوهش

با اینکه پیشینه پژوهش‌های اسطوره‌شناسی در ایران حدود چند دهه پیش نیست، اما تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه اساطیر صورت گرفته است. آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند آن است که تاکنون پژوهشی از منظر تحلیل اسطوره‌ای با تکیه بر کهن‌الگوی جنگ بزرگ بر اساس نظریه چرخه فصول فرای روی نگاره‌های شاهنامه صورت نگرفته است.

ملک‌پایین و سام‌خانیانی (۱۳۹۲)، در مقاله «تحلیل میتوس‌های روایی لشکرکشی کیکاوس به مازندران در شاهنامه»، با تکیه بر کهن‌الگوها و نمادهای نظریه یونگ و تلفیق آن با نظر نورتروپ فرای درباره میتوس‌های شکل‌دهنده اثر ادبی، روایت منظوم «حمله کیکاوس به مازندران» را در بافت شاهنامه ارائه داده‌اند. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که روایت مذکور دارای سه بخش ساختاری است که بیانگر میتوس‌های «تابستان، زمستان و بهار» در نظریه فرای بوده است و نمادها و کهن‌الگوهای هر بخش در خدمت ساختار میتوس همان بخش قرار گرفته است. حاج‌نوروزی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه «بررسی داستان سیاوش بر اساس نظریات نورتروپ فرای»، روایت مورد نظر را با شیوه‌ای متفاوت و با به کارگیری مفاهیم اصطلاحات رایج در نقد ادبی بررسی کرده و سپس دیدگاه‌های نظریه پرداز معروف، نورتروپ فرای را، مد نظر قرار داده و طبق این نظریات، ابتدا نقد تاریخی جایگاه داستان سیاوش را در نظام پیشنهادی فرای مشخص نموده و پس از آن، داستان را از منظر نقد اخلاقی بررسی کرده است و در پایان به نقد آرکی‌تایپی اثر پرداخته و طبق

نظرات فرای در نقد آرکی‌تایپی، نوع ادبی این اثر را در نظام ساختار روایی مشخص کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نوع ادبی این داستان، بیش از دیگر انواع در نظام فرای به نوع ادبی تراژدی نزدیک می‌باشد. مختاریان (۱۳۸۸)، در مقاله «نورتروپ فرای و نقد اسطوره‌ای»، ضمن اشاره‌ای گذرا به نقد نو و جایگاه فرای، تجربه این منتقد ادبی را در نشان دادن ارتباط اسطوره و ادبیات، معرفی می‌نماید. برای معرفی شیوه او در تبیین چنین ارتباطی توضیحی اجمالی از روند تجربه او و توسل به کتاب مقدس و سپس ترکیب آن تجربه با رویکرد کهن‌الگوی ارائه شده است.

نقد اسطوره‌ای

تاریخچه شیوه نقد اساطیری را باید از مکتب انسان‌شناسی انگلیس و پژوهش‌های انسان‌شناسی چون ادوارد تیلور^۱ و جیمز فریزر^۲ و هلنیست‌های کمبریج آغاز کرد که از اواخر قرن نوزدهم شروع شده بود. در قرن بیستم، کاربرد این روش، بیشتر جنبه ادبی به خود گرفت و مطالعات انسان‌شناسانه‌ای که از اسطوره‌ها و ادبیات سود می‌جستند، جای خود را به خلق آثاری دادند که با استفاده از این الگوهای نظری، صرفاً به تحلیل آثار ادبی و اساطیری می‌پرداختند و آن‌ها را نه در شمار مطالعات انسان‌شناسی، بلکه در شمار نقد ادبی می‌آوردند. (قائمی و همکاران ۱۳۸۸: ۴۸)

نقد اسطوره‌ای، نقدی است که به کشف ماهیت اسطوره‌ها، کهن‌الگوها و ویژگی آن‌ها و کاربردشان در ادبیات می‌پردازد. به‌ویژه که اهمیت اسطوره از آنجا سرچشمه می‌گیرد که بشر باستانی به وجود و نقش اسطوره‌ها اعتقادی راسخ داشت. نمی‌توان بدون توجه به جایگاه و اهمیت اسطوره به نقد و تحلیل آثار حماسی و اساطیری پرداخت که از آبخور فکری ایران باستان بسیار بهره گرفته و به آن مقطع زمانی نزدیک بوده‌اند. (علوی مقدم و ساسانی ۱۳۸۷: ۲۲۵)

1. Edward Tylor

2. James Frazer

نظریه و نقد اسطوره‌ای نزد نورتروپ فرای

ادیب بزرگ کانادایی نورتروپ فرای (۱۹۹۱ - ۱۹۱۲)، از منتقدان به نام اسطوره‌گرایی است. وی از جمله کسانی است که از یافته‌های مردم‌شناسی و روان‌شناسی و اسطوره‌شناسی در بررسی آثار سود برده است. فرای ابتدا پژوهش خود را از آثار ویلیام بلیک^۱ مبتنی بر اسطوره‌پردازی و اسطوره‌سازی بود، آغاز کرد و با بررسی این آثار به اصول سمبولیسم ادبی و نوع‌شناسی کتاب *مقدس دست یافت*. در واقع او قصد داشت که دستور زبان سمبولیسم ادبی که به گفته خودش «مفهوم کلاسیک یک اثر هنری» است، را با مفهوم کتاب آسمانی در مذهب، همسان و همتا کند. (حاج‌نوروزی ۱۳۹۱: ۱۹) به گمان فرای، ادبیات به مستقیم‌ترین شکلی از اسطوره کتاب *مقدس سرچشمه* گرفته است. کتاب *مقدس* دارای ساختاری اسطوره‌ای است که زمانش از آفرینش تا مکاشفه و مکانش از بهشت تا دوزخ است و این گیتی چارچوبی از تصویرسازی را برای تمام شاعران اروپایی تا زمان خود فرای شکل داده است. (مختاریان ۱۳۸۸: ۱۰)

فرای در تعریف اسطوره چنین می‌گوید: «اسطوره به ساده‌ترین و معمول‌ترین معنا، نوعی سرگذشت و داستان است که معمولاً به خدا یا رب‌النوع و موجودی الهی مربوط می‌شود. اسطوره، بدین مفهوم، با فرهنگ‌های ابتدایی و با دوره‌های کهن فرهنگ‌های پیشرفته پیوسته است.» (۱۳۹۱: ۱۰۲-۱۰۱) نظریه اسطوره‌ای فرای دارای چندین ویژگی است: نخستین ویژگی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه‌پردازی فرای، کلان‌نگری وی در عرصه نظریه بود؛ زیرا نظریه اسطوره‌ای وی به یک بخش از ادبیات محدود نمی‌شد، بلکه تمامیت ادبیات را در برمی‌گرفت؛ دوم اینکه فرای توجه نظریه خود را معطوف ادبیات و متن ادبی کرد. بنابراین از ویژگی‌های اصلی اندیشه فرای، استقلال برای ادبیات و هنر است؛ سومین ویژگی نظریه فرای توجه به خود اسطوره است. برای فرای اسطوره نقش مهم‌تری ایفا می‌کند چنانکه او ادبیات و اسطوره را معادل و همانند یکدیگر تصور می‌کند؛ چهارمین ویژگی نظریه فرای تاکید بر عنصر

1. William Blake

تخیل است. به عبارت دیگر، اگر فرای به نفی ویژگی آینه‌ای ادبیات و هنر می‌پردازد، در مقابل، منبع و مرجع تصاویر را تخیل خلاق و فرهیخته شاعر قلمداد می‌کند؛ یعنی هر قدر از میزان تأثیرگذاری واقعیت بیرونی کم می‌شود، بر میزان تأثیرگذاری تخیل افزوده می‌شود. (نامور مطلق ۱۳۹۳: ۳۵)

شاهنامه شاملو

شاهنامه شاملو، شاهنامه مصور نو یافته که هنوز در لفافه ترمه گلابتون قاجاری خود قرار دارد، مربوط به ربع اول سده یازدهم قمری است. در مجموع چهل و چهار نگاره در صفحات مختلف و دو سرلوح مذهب عالی در ابتدای کتاب و دو لچکی در صفحه انجامه دارد. نسخه به خط نستعلیق جانی‌ابن محمد قاسم محمد مومن مشهور به «اصح کرمانی» و دارای ۴۵۶ ورق در قطع ۲۵×۳۸ سانتیمتر است. این شاهنامه که روی کاغذ دولت‌آبادی نوشته شده، بنابر یادداشت کاتب در صفحه انجامه، در روز چهارشنبه بیست و هفتم رمضان سال ۱۸۰۰ ق به سفارش حسین‌خان شاملو در دارالسلطنه هرات تمام شده است. گرچه نگاره‌های این نسخه فاقد امضا و نام نگارگر هستند، اما با توجه به شواهد مکتوب و مصور می‌توان از حداقل دو نقاش، یکی حبیب‌الله ساوهای و دیگری محمدی هروی به عنوان مصوران آن نام برد. (حسینی‌راد ۱۳۹۲: ۵۳-۴۴) تنها اطلاعات قابل پیگیری در باره این نسخه، یادداشت آنتونی ولش^۱ در پاورقی شماره ۳۸ صفحه ۱۷۳ کتاب خود با عنوان Artists For the Shah در سال ۱۹۷۶ م است. ولش در این یادداشت که مربوط به نقش حمایت‌گرانه حسین‌خان شاملو از هنر کتاب‌آرایی در هرات اوایل سده یازدهم است، اشاره می‌کند که به تازگی (۱۹۷۵ م) شاهنامه‌ای به تاریخ ۱۰۰۸ هجری قمری در حراج ساتبی

1. Anthony welch

فروخته شده که دارای چهل و چهار نگاره، بدون امضا بوده و به سفارش حسین خان شاملو تهیه شده است. (ولش ۱۹۷۶: ۱۷۳)

کهن‌الگوی جنگ بزرگ کیخسرو

در شاهنامه به تناسب موضوع، داستان‌های اساطیری و حماسی فراوانی وجود دارد؛ در یکی از آن داستان‌ها، اسطوره قدیمی و کیهانی داستان جنگ بزرگ کیخسرو آمده است. کیخسرو پس از رسیدن به سلطنت قسم می‌خورد که افراسیاب تورانی را به انتقام خون پدرش سیاوش بکشد و برای همین امر توس را به عنوان فرمانده لشکر به جنگ تورانیان می‌فرستد. در این جنگ، لشکر ایران از افراسیاب تورانی شکست خورده و به ایران برمی‌گردد. پس از مدتی افراسیاب به ایران حمله می‌کند و کیخسرو همراه رستم با چند لشکر به مقابل او می‌رود؛ افراسیاب پس از جنگ‌هایی طولانی مدت، کشته شدن وزیرش، پیران ویسه و پسرش شیده و شکست لشکرش فرار کرده و در بهشت گنگ که در میان دریا قرار دارد، پنهان می‌شود. کیخسرو او را دنبال کرده و پس از مدتی دژ او را فتح کرده و افراسیاب در جهان، آواره و سرگردان می‌شود. بالاخره در نزدیکی بردع، بالای کوهی می‌رود که قلعه‌اش ناپیداست و در غاری که در شاهنامه به هنگ افراسیاب شهرت دارد، پنهان می‌شود. هوم که عابدی پشمینه‌پوش است در نزدیکی غار مشغول عبادت است. پس از شنیدن ناله‌های افراسیاب و اطلاع قبلی از سرنوشت او، به هویتش پی می‌برد و او را دستگیر می‌کند و با زَنار خود می‌بندد و به درگاه کیخسرو می‌برد تا به او تحویل دهد. در نزدیکی دریاچه چیچست (ارومیه) دلش برای او می‌سوزد و اندکی بندش را سست می‌کند و او از فرصت استفاده کرده و به دریاچه گریخته و پنهان می‌شود. پس از رسیدن کیخسرو و آگاهی یافتن از ماجرا، هوم به او می‌گوید که برای وادار کردن افراسیاب به تسلیم، باید برادرش گرسیوز را شکنجه دهند و کیخسرو به این وسیله افراسیاب را از دریاچه بیرون کشیده و می‌کشد. (رویانی ۱۳۹۳: ۷۲)

کارکرد نظریه میتوس نورتروپ فرای

فرای برای اشاره به چهارالگوی روایی که به اعتقاد وی به اسطوره ساختار می‌بخشند، از اصطلاح «میتوس» استفاده می‌کند. (تایسن^۱: ۱۳۸۷: ۳۵۷-۳۵۶) فرای در تعریف میتوس آن را عنصری فراتر و پیش‌تر از انواع ادبی می‌داند، چنانکه پس از توضیحاتی در خصوص انواع ادبی می‌نویسد: «در روایت مکتوب چهار عنصر را قبل از انواع ادبی داریم که من آن‌ها را میتوس یا طرحی نوعی می‌نامم.» (۱۳۹۱: ۱۹۶) بنابراین، میتوس عنصر اولیه و کلی‌تر نسبت به اسطوره است و اسطوره‌ها در تقسیم‌بندی‌های میتوس قرار می‌گیرند.

در نظریه میتوس، چهار شکل «روایتی - کهن‌الگویی» با توجه به توالی دوری آن‌ها مطابق با دور فصول و به ترتیب زیر دسته‌بندی و انطباق داده می‌شوند. کم‌دی: میتوس بهار؛ رمانس: میتوس تابستان؛ تراژدی: میتوس پاییز؛ طنز: میتوس زمستان. هر یک از این فصول یک گونه از ادبیات و هنر را در بر می‌گیرند و با یکدیگر در یک جهت چرخشی مرتبط می‌شوند. همچنین هر یک در تضاد با یکی و هم‌نشین با دو دیگری قرار دارند. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۳۶)

او سمبول‌های دوری را به چهار مرحله اصلی تقسیم می‌کند، که نمایان‌گر چهار فصل سال، شاخص چهار دوره روز (صبح، ظهر، عصر، شب) و چهار جنبه دور آب (باران، چشمه، رود، دریا یا برف) و چهار دوره زندگی (نوجوانی، بلوغ، پیری، مرگ) هستند. (فرای ۱۳۹۱: ۱۹۳)

۱. بهار دوره نوزایی و سرخوشی و گونه مرتبط با آن کم‌دی است؛
۲. تابستان دوره اوج و قدرت و گونه مرتبط با آن رمانس است؛
۳. پاییز دوره افول و ضعف و گونه مرتبط با آن تراژدی است؛
۴. زمستان دوره اضمحلال و مرگ و گونه مرتبط با آن طنز است.

1. Tyson

میتوس کمدی (بهار)

مضمون وجه کمیک، یگانه شدن با جامعه است و معمولاً قهرمان اصلی، در بافت جامعه گره می‌خورد. کمدی اسطوره‌ای، منطبق است با داستان چگونگی پذیرش پذیرفته شدن قهرمان از جانب جامعه ایزدان. قهرمان کمدی به پیروزی دست می‌یابد، خواه کردارش معقول باشد یا احمقانه. (فرای ۱۳۹۱: ۶۰-۵۹)

مراحل شش‌گانه میتوس: مرحله نخست: جامعه موجود در حالت ایستایی است (شخصیت‌ها میل به خود ویرانی و خودکشی دارند)؛ مرحله دوم: آغاز انتقاد از جامعه، البته بدون تحول در این مرحله. قهرمان نیز بدون هیچ دگرگونی‌ای از جامعه می‌گریزد؛ مرحله سوم: با امید و تحول، جامعه موجود به جامعه خوشحال تبدیل می‌شود؛ مرحله چهارم: جامعه خوشحال نسبت به دگرگونی‌ها مقاومت می‌کند؛ مرحله پنجم: خوداندیش و درون‌گرا و رویایی می‌شود؛ مرحله ششم: اضمحلال جامعه کمدی و آمادگی برای تحول دوباره آغاز می‌شود. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۳۷)

میتوس رمانس (تابستان)

رمانس به رؤیای برآورده شدن آرزو نزدیک‌تر است. عنصر اصلی در طرح داستان رمانس، ماجراست؛ یعنی اصل رمانس توالی ماجرای شگفت‌انگیز است. مراحل این نوع از رمانس عبارتند از: ۱- سفر مخاطره‌آمیز؛ ۲- مبارزه سرنوشت‌ساز؛ ۳- تعالی قهرمان. شخصیت‌پردازی در رمان چنان پیچیده نیست، شخصیت‌ها یا موافق و یا مخالف هستند و هر یک از شخصیت‌های نوعی در رمانس، مخالف اخلاقی خودش را در مقابل خود دارد. رمانس هم مانند کمدی شش مرحله مجزا دارد که سه مرحله نخست آن با سه مرحله نخست کمدی، موازنه می‌یابد و سه مرحله بعدی آن با سه مرحله از تراژدی در موازنه است. (حاج‌نوروزی ۱۳۹۱: ۴۹)

مراحل شش‌گانه میتوس تابستان: مرحله نخست: معصومیت کامل، ولادت قهرمان؛ مرحله دوم: معصومیت نوجوانی حاصل از بی‌تجربگی؛ مرحله سوم: تکمیل وضعیت آرمانی، سیروسلوک؛ مرحله چهارم: جامعه‌ای خوشحال و در حال مقاومت؛ (تلاش در ابقای دنیای معصومیت در مقابل هجوم دنیای تجربه) مرحله پنجم: تأمل و وضعیت رؤیایی: عدالت و اعتدال؛ مرحله ششم: جامعه‌ای متوقف شده، پیری و تنهایی. (فرای ۱۳۹۱: ۲۴۵-۲۳۹)

میتوس تراژدی (پاییز)

نظریه میتوس تراژدی فرای، ارائه دهنده ویژگی‌های جهان شمولی است که بر مبنای مطالعه ساختار و عناصر تراژدی‌های بزرگ به دست آمده است.

«نقطه ثقل تراژدی از نظر او، قهرمانان و اعمال یا خویشکاری آنهاست. فاجعه چه در ظفر و چه در شکست، مضمون نوعی تراژدی است. در تراژدی کامل عیار، شخصیت‌های اصلی از حیطة رؤیا خلاص می‌شوند. قهرمان سنخی تراژدی جایی بین ملکوتی و «بسیار انسانی» قرار دارد. وی عدوات برمی‌انگیزد یا وارث اوضاع و احوال عدوات می‌شود.» (ملک‌پایین و سام‌خانینی ۱۳۹۲: ۱۵۶)

مراحل شش‌گانه میتوس پاییز: مرحله نخست: معصومیت کامل؛ مرحله دوم: معصومیت نوجوانی توأم با ناپختگی؛ مرحله سوم: تکمیل وضعیت آرمانی؛ مرحله چهارم: خطای فردی؛ مرحله پنجم: مقهور قوانین طبیعت؛ مرحله ششم: وضعیت شوک و هولناکی. (فرای ۱۳۹۱: ۲۶۸-۲۶۴)

میتوس طنز و هزل (زمستان)

زمستان در پایین‌ترین نقطه فصول قرار داد و از نظر گونه‌شناسانه به گونه تهکم و طنز و هزل مرتبط می‌شود. زمستان همچون مرگ، شب و پایان رودخانه بیانگر پایین یک عصر، یک مکتب یا یک دوره ادبی و هنری است. گونه هنری زمستان به تهکم مرتبط

می‌شود، اما از جهتی دیگر نیز نزدیک‌ترین گونه به واقع‌گرایی محسوب می‌شود و به بهترین شکل با اسطوره ارتباط دارد. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۴۰)

مراحل شش‌گانه عبارت است از: مرحله نخست: جامعه موجود همان‌گونه که هست، می‌ماند؛ مرحله دوم: انتقاد بدون انگیزه دگرگونی؛ مرحله سوم: جامعه خوشحال؛ مرحله چهارم: خطای فرد؛ مرحله پنجم: مغلوب قوانین؛ مرحله ششم: شوک. (فرای ۱۳۹۱: ۲۷۱-۲۸۸)

بازخوانی نگاره‌های جنگ بزرگ براساس نظریه میتوس

الف) میتوس کم‌دی و کارکرد آن در جنگ بزرگ

در نگاره شماره دو، مجلس پانزدهم «با گرز زدن هومان، رستم را و گریختن افراسیاب از جنگ رستم»، و نگاره شماره سه، مجلس شانزدهم «رها کردن گیو، پیران را به خواست فرنگیس و خستن گوش او» نام دارد، اسطوره بهار مشاهده می‌شود. کم‌دی مضمون وجه کمیک یگانه شدن با جامعه است و معمولاً این صورت را به خود می‌گیرد که قهرمان اصلی در بافت جامعه گره می‌خورد. قهرمان کم‌دی به پیروزی دست می‌یابد، خواه کردارش معقول باشد یا احمقانه و خواه صادقانه باشد یا رذیلانه. (فرای ۱۳۹۱: ۵۹-۶۰)

سیر اصلی کم‌دی معمولاً عبارت است از سیر یک نوع جامعه به جامعه‌ای دیگر. در آغاز، شخصیت‌هایی سد راه قرار دارند و در پایان، جامعه تازه حول قهرمان متبلور می‌شود. پس سدهای آرزوی قهرمان، سیر وقایع کم‌دی را می‌سازد و غلبه بر موانع هم‌گره‌گشایی را تشکیل می‌دهد. سیر کم‌دی معمولاً به سمت پایان خوش است. (همان: ۲۰۲ - ۱۹۷) همان‌طور که پس از کشته شدن ناجوانمردانه سیاوش تا پیدایی کیخسرو، جهان سرشار از فساد، تباهی، کشتار و ویرانی بوده است، پس از پیروزی کیخسرو بر افراسیاب نور، آزادی و امید به جامعه برمی‌گردد.

مرحله نخست کم‌دی با مرحله اول زمستان مرتبط است به همین دلیل هنوز جامعه در روایت داستانی دارای پویایی نیست و تازه می‌خواهد حرکتی را شروع شود.

(نامورمطلق ۱۳۹۳: ۳۷) پس از مرگ سیاوش، ایرانیان برای کین‌خواهی با تورانیان وارد جنگ می‌شوند. افراسیاب به مدت هفت سال بر ایران تاخت و قحطی و خشکسالی نصیب ایران شد و سیر کمندی تا جایی پیش می‌رود که به سقوط فاجعه‌آمیز جامعه قهرمان نزدیک می‌شود. در مرحله دوم، قهرمان نقش مهمی را ایفاء می‌کند؛ زیرا به اهمیت تغییر پی‌برده است و به همین دلیل راه رسیدن به دگرگونی محیط را در گرو دگرگونی خویش می‌داند. وجه کمندی در داستان جنگ بزرگ جامعه‌ای است که حول محور کیخسرو شکل می‌گیرد، سفر به ایران و جدالی که بر سر جانشینی با طوس و فربرز به وجود می‌آید و پشت سر گذاشتن وقایع نمود این میتوس است. مرحله سوم، جامعه به کمک قهرمان دچار دگرگونی می‌شود و از این جهت نیز خوشحال و سرخوش است. کیخسرو با غلبه بر افراسیاب آن چه را که سدّ راه اوست بر می‌دارد و حوادث و وقایع را پشت سر می‌گذارد تا به جامعه آرمانی خود برسد. در مرحله چهارم کمندی، اندک‌اندک از دنیای تجربه بیرون می‌آیم و وارد دنیای آرمانی معصومیت می‌شویم. (ر.ک. فرای ۱۳۹۱: ۲۲۱) استقرار یک حکومت توسط کیخسرو که دارای فره ایزدی است و در اولین گام خود برای کین‌خواهی خون پدر پا به میدان گذاشته نکته مهمی در خود دارد؛ جامعه‌ای که به واسطه اهریمن (افراسیاب) و همچنین ناکفایتی کیکاووس، دچار مصیبت و خشکسالی شده بود، دوباره پس از تحمل مدت‌ها استبداد افراسیاب، با آوردن کیخسرو به عنوان منجی، امید به کین‌خواهی خون سیاوش در دل ایرانیان زنده شد و زمینه لازم برای تغییر جامعه فراهم آمد. در حقیقت جامعه در حال پوست انداختن و رجعت به اصل خویش است. در مرحله پنجم، وارد دنیایی می‌شویم که حالت رمانسی آن همچنان بیشتر است و آن‌قدرها که شبانی است آرمانی نیست و آن‌قدرها که اندوه دارد جشن ندارد. (همان: ۲۲۳) مجموعه اتفاقاتی که پس از مرگ سیاوش و در طی دوران نبرد کیخسرو با افراسیاب صورت می‌گیرد، همچنین کنش‌های کیخسرو برای رساندن جامعه به دنیای آرمانی در این مرحله جای دارد. مرحله ششم، مرحله اضمحلال و فروپاشی جامعه کمندی و آمادگی برای تحول دوباره آغاز می‌شود. (همان: ۲۲۵) ظهور کیخسرو، زمینه

لازم را در جهت تحول جامعه فراهم آورده و جامعه موجود وارد تغییر فصل‌گونه خود می‌شود.

ب) میتوس تابستان و کارکرد آن در جنگ بزرگ

در نگاره شماره چهار تا هشت میتوس تابستان مشاهده می‌شود که مهم‌ترین میتوس از نظر شکوفایی است؛ زیرا دوران کودکی را سپری کرده و وارد دوره جوانی و باردهی شده است. کیخسرو نوید دهنده تحول عظیم است که بعد از پیروزی بر تورانیان، بالاخص بر افراسیاب (پیروزی خیر بر شر) جهان آرمانی را به نمایش می‌گذارد که در آن امید، باززایی، معصومیت، باروری و حکومت مقتدر به دست آمده که همگی این نمادها میتوس تابستان را به نمایش می‌گذارد.

زمانی که رمانس به صورت ادبی در می‌آید به توالی ماجراهای فرعی محدود می‌شود و این ماجراهای فرعی به ماجراهای اصلی یا بزنگاه کل ماجراها منتهی می‌شود، که معمولاً از همان آغاز اعلام شده است. ماجراهای اصلی که کامل بشود، داستان هم به پایان می‌رسد. این ماجرای اصلی را، «طلب»^۱ می‌نامیم. (همان: ۲۲۶) صورت کامل رمانس، طلب است و چنین صورت کامل شده‌ای چهار مرحله عمده دارد؛ در نخستین مرحله، قهرمان سفر مخاطره‌آمیز خود را آغاز می‌نماید و درگیر ماجراهای فرعی اولیه است. وقتی او به مرحله دوم پا می‌گذارد، در نبردی سرنوشت‌ساز و خطیر با خصم اصلی خود مواجه می‌شود. در مرحله بعد قهرمان به تعالی رسیده و گاهی ناپدید می‌شود و در نهایت دوباره ظهور کرده و بازشناخته می‌شود. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۵۰) صورت کامل طلب در روایت مورد نظر ما مشهود است، زمانی که کیخسرو برای کین‌خواهی خون پدر (سیاوش)، از توران وارد ایران می‌شود، سفر مخاطره‌آمیز او شروع می‌شود و جدال او با طوس برای فتح بهمن‌دژ و مشکلات سد راه، او را درگیر

1. quest

ماجراهای فرعی می‌کند که با مرحله اول روایت طلب، همخوانی دارد. جنگ بزرگی که کیخسرو با افراسیاب برای انتقام خون پدر با لشکری از سران بزرگ ایران به راه می‌اندازد، و موجب کشته شدن افراسیاب و شکست سنگین تورانیان و فتح سیاوشگرد و بازگرداندن امید و اقتدار به ایرانیان می‌شود و همچنین دست شستن از حکومت که مبادا مانند ضحاک و جمشید کبر و غرور بر او چیره شود و ناپدید شدن او در برف، و بازگشت او در زمان سوشیانس سیر کامل طلب را به نمایش می‌گذارد.

در میتوس تابستان، مرحله نخست اسطوره، ولادت قهرمان است که معمولاً با جریان تند آب، که سمبول بدایت و نهایت چرخه است، مرتبط است. قهرمان نوزاد را اغلب درون تابوت یا صندوقی می‌گذارند و به دریا می‌اندازند. فرای در اینجا نیز متذکر می‌شود اگر به جای دریا، خشکی باشد، چه بسا که نوزاد را از دست حیوان نجات دهند یا حیوانی نجاتش بدهد و پرورش یابد. (فرای ۱۳۹۱: ۲۳۹) نمونه این ویژگی رمانس در مورد زاده شدن کیخسرو صدق می‌کند، زادن کیخسرو و دوران کودکی‌اش همانند پهلوانانی چون فریدون و زال و رستم آکنده از شگفتی‌ها، رمزها و پیچیدگی‌هاست. پدرش سیاوش و مادرش فرنگیس است؛ یعنی از سوی پدر زاده کیکاوس شاه ایران و از سوی مادر زاده افراسیاب شاه توران است. از بیم آهنگ بد افراسیاب در دامن کوهستان با شیر گاو پرورده می‌شود. در مرحله دوم به دوران نوجوانی و بی‌گناهی قهرمان می‌رسیم. (همان: ۲۴۱) تصاویری که فرای برای این مرحله بیان می‌کند با تصاویر جنبه زنانه یا مادرانه صور خیال جنسی مرتبط است. در این مرحله، کیخسرو پس از شرح ماجرای مرگ سیاوش توسط پیران، کینه افراسیاب را به دل گرفت. در حقیقت کیخسرو در این زمان آماده ورود به مرحله آزمون قهرمان شده است. گذراندن کودکی در دامان شبان و دور ماندن از فضای ارتباط با جامعه برای آگاه نشدن از نژاد خویش، و پرورش یافتن در فضایی بکر که مملو از سادگی و بی‌آلایشی عناصر طبیعت است، همگی مصادف است با همین مرحله که باید در آن به نوجوانی و بی‌گناهی قهرمان پرداخته شود. البته مضمون سد راه جنسی مورد توجه فرای در این مرحله وجود ندارد. مرحله سوم مضمون سیروسلوک است.

صورت کامل طلب در رمانس، طبق نظر فرای سه مرحله است: نخست، سفر مخاطره‌آمیز، که در این داستان سفرهای مخاطره‌آمیز کیخسرو از رفتن به سرزمین پدری و نشستن بر تخت سلطنت برای کین‌خواهی از افراسیاب را شامل می‌شود. دوم مبارزه سرنوشت‌ساز، که همان نبرد بزرگ کیخسرو با افراسیاب است و درسومین مرحله، تعالی قهرمان که پیروزی خیر بر شر را حاصل می‌شود.

مرحله چهارم جامعه‌ای خوشحال و در حال مقاومت را می‌بینیم که مضمون اصلی این مرحله در رمانس عبارت است از ابقای انسجام دنیای معصومیت در مقابل هجوم دنیای تجربه. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۳۹) این مرحله با مرحله چهارم کمدمی مطابقت دارد. در این مرحله رمانس آرام می‌گیرد و قهرمان از تمامی مراحل به سلامت بیرون آمده و نقطه تجلی را از سر گذارنده است و وارد دنیای تجربه و آگاهی پایان سیر و سلوک می‌شود. درباره کیخسرو، تسلط خرد و اندیشه در سراسر داستان آشکار است. همان‌گونه که در متون پهلوی به او لقب کی به معنای «دانا و حکیم» داده‌اند. زمانی که کیخسرو با پیروزی بر افراسیاب، رجعت مطلوب و آرمان‌شهر موعود حاصل می‌کند، آنجاست که قهرمان به نوعی به دنیای تجربه سوق پیدا می‌کند؛ مرحله پنجم تأمل و وضعیت رؤیایی، عدالت و اعتدال است و با مرحله پنجم کمدمی مطابقت دارد؛ مانند آن بینش تأمل‌انگیز و کهن‌الگویی است که از بالا بر دنیای تجربه افکنده می‌شود و سیر دور طبیعی در آن مقام رفیعی دارد. (فرای ۱۳۹۱: ۲۴۴) در این مرحله افراسیاب و گرسیوز (نماد بدی و رذالت)، از بین رفته و شخصیت‌های نیک به عاقبتی خوش می‌رسند. این نکته بیانگر عدل الهی و طبیعت است و از دیدگاه فردوسی گناهکاران نمی‌توانند از مکافاتنی که به واسطه عدالت حاکم بر جهان برایشان رقم خورده است، بگریزند. در داستان جنگ بزرگ، کیخسرو ابزاری است تا این عدالت را برقرار کند؛ مرحله ششم و آخر در رمانس، پایان سیر از ماجرای فعال به ماجرای تأمل‌انگیز است. کیخسرو با غلبه بر تورانیان و کشتن افراسیاب که با ریختن خون سیاوش و حمله به ایران قحطی به بار آورده بود، شادی و نعمت را به ایرانیان باز می‌گرداند و ماجراها خاتمه می‌یابد.

اما کیخسرو بعد کین خواهی پدر، دچار نوعی رنج و عذاب درونی می‌شود و تاج و تخت را به لهراسب می‌سپارد و تراژدی کیخسرو این‌گونه آغاز می‌شود.

پ) میتوس پاییز و کارکرد آن در جنگ بزرگ

نگاره شماره یک، مجلس دوازدهم، «دیدار سیاوش و افراسیاب» میتوس پاییز حضور دارد. میتوس پاییز بی شباهت با میتوس تابستان نیست؛ زیرا همانند آن در میانه چرخش قرار دارد و تفاوت آن‌ها در این است که میتوس پاییز در قوس نزول قرار می‌گیرد و به همین روی با تراژدی مرتبط می‌شود. پاییز شروع یک پایان است. در این دوره، گونه تراژدی و انواع غم‌نامه‌ها رایج است. امید از دست می‌رود و دیگر دلیلی برای خوشی و نشاط وجود ندارد. ضعف و ناتوانی مسلط می‌شود و همچنین قدرت پذیرش اشتباه کم شده است. به همین روی یک اشتباه یا مجموعه‌ای از اشتباهات موجب به خطر افتادن موقعیت کلی می‌شود. رکود و خمودگی از یک‌سو و لجالت و انعطاف‌ناپذیری از سوی دیگر و همچنین خطای بزرگ موجب به هم خوردن قدرت و نظم می‌شود. میتوس پاییز در شروع هنوز جلوه‌هایی از تابستان را به خود دارد، اما هر چه می‌گذرد از آن کاسته می‌شود، چنانکه در مرحله دوم این تاثیرها به طور کامل از بین می‌روند و در مرحله سوم شکل اصیل و اصلی خود را می‌گیرد. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۳۹)

در مرحله نخست، قهرمان یا شخصیت اصلی دارای مقام و منزلت متعالی است. او معمولاً در خانواده‌ای با شأن اجتماعی بالا متولد شده و معصومیت و شجاعت دو خصیصه اصلی شخصیت اوست. این مرحله با مرحله ولادت قهرمان در رمانس مطابقت دارد. (فرای ۱۳۹۱: ۲۶۴) کیخسرو در آغاز زندگی نیز همین‌گونه است. ویژگی‌هایی چون نژاد والا و نیروی جسمانی و شهامت و جنگاوری، او را نسبت به دیگران در جایگاه بالاتری قرار داده است. اسماعیل‌پور مطلق درباره نیروی جسمانی و شهامت کیخسرو چنین نقل کرده است:

«از شگفتی‌های کودکی کیخسرو این که او در ده سالگی گراز و خرس را بر زمین می‌افکند و به نخجیرگاه می‌رود و شیر و پلنگ شکار می‌کند. شبان پرونده او پیش

پیرانویسه می‌رود و شکوه می‌کند که کیخسرو اول آهو می‌گرفت و از شیر و پلنگ می‌ترسید، اما حالا از شیر و پلنگ هم نمی‌ترسید.» (اسماعیل پور مطلق ۱۳۸۹: ۶۴)

کیخسرو دارای اصالت خانوادگی و معصومیت است. در مرحله دوم، قهرمان دوره جوانی خویش را می‌گذراند؛ یعنی همان دوره معصومیت و بی‌تجربگی که قهرمان را برای رویارویی با چهره‌های نوین از جهان اطرافش مهیا می‌سازد. این مرحله، صور نوعی دنیای سبز و طلایی است؛ یعنی از دست رفتن معصومیت. قهرمان در آرزوی گریز از این دنیای آرام و سبز و طلایی و ورود به دنیای عمل که دنیای فرتوری است به سر می‌برند. (ایرانی و بیگلری ۱۳۹۲: ۱۳۸) همان‌گونه که کیخسرو در آغاز نوجوانی هنگام روبرو شدن با نیای خود (افراسیاب) و به سبب خطری که گمان می‌رود، بنا به درخواست پیران ویسه خود را به نادانی می‌زند و افراسیاب را می‌فریبد و از چنگال مرگ رهایی می‌یابد و با کناره‌گیری از دنیای آرام سیاوش گرد، خواهان پیشروی سپاه ایران می‌شود تا کین پدر را بستاند. زمانی که کیخسرو از دنیا آرام پیرامون خود کناره می‌گیرد، وارد مرحله عمل می‌شود. مرحله سوم، با مضمون اصلی سیر و سلوک در رمانس مطابقت دارد. او در این سیر تکامل می‌یابد و فقط چشم به هدف دارد. در اینجا وجه رمانسی در تراژدی به اوج می‌رسد و همزمان از بین می‌رود. این مرحله، مرحله موفقیت یا توفیق قهرمان است، اما در پایان زندگی قهرمان قرار ندارد؛ یعنی به فاجعه نمی‌انجامد، بلکه به آرامشی منجر می‌شود که از تسلیم بی‌قیدوبند به سرنوشت فراتر می‌رود. در این مرحله، قهرمان در دو سویه روشن سرنوشت قرار دارد. کیخسرو برای انتقام خون پدر با موانع زیادی برخورد می‌کند. در این مرحله، او همه موانع پیش رو را پشت سر می‌گذارد و بر حریفان خود غالب می‌شود و بر سرنوشت سوار است. در مرحله چهارم از خط مرزی معصومیت می‌گذریم و به تجربه می‌رسیم که مسیر فرو افتادن قهرمان هم هست. در این مرحله، فضای کنایه و تهکم بر فضای تراژدی سایه می‌اندازد. قهرمان در پی یک گناه، ناگزیر لغزش و در ادامه سقوط می‌کند. او از مرز معصومیت می‌گذرد و به دنیای تجربه ورود می‌کند. (فرای ۱۳۹۱: ۲۶۶) در مرحله پنجم، عنصر تهکم اوج می‌گیرد و قدرت قهرمان در سایه ضعفش رو به زوال می‌رود. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۸۱) قهرمان زمانی به مرحله پختگی و بلوغ می‌رسد که دیگر جایی برای عمل باقی نمانده باشد. فاجعه پایانی تراژدی در این مرحله رخ می‌دهد که گره حوادث را می‌گشاید. مرحله ششم، که پایان تراژدی است؛ فاجعه اتفاق می‌افتد و

شوکی عمیق بر مخاطب وارد می‌شود و جهانی دوزخی رخ می‌نماید. این مرحله، دنیای هول و هراس است. (فرای ۱۳۹۱: ۲۶۷) با بررسی مرحله به مرحله می‌توان دریافت که این روایت از میان مراحل شش‌گانه این میتوس در سه مرحله اول قرار می‌گیرد، اما به مراحل دیگر سیر نمی‌کند. این نتیجه نشان می‌دهد که داستان جنگ بزرگ کیخسرو از دیدگاه فرای از سه مرحله اول تراژدی فراتر نمی‌رود.

ت) میتوس زمستان و کارکرد آن در جنگ بزرگ

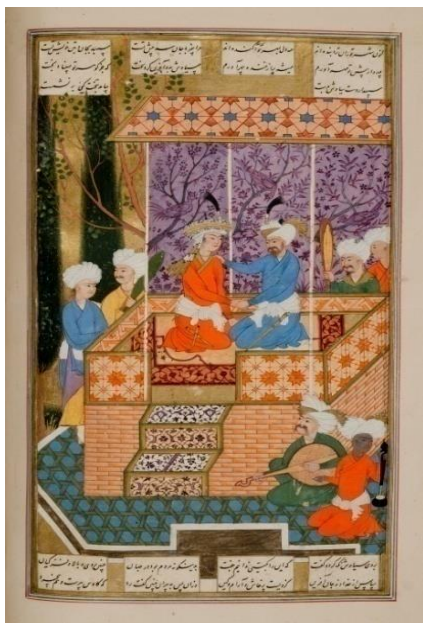
زمستان در پایین‌ترین نقطه فصول قرار دارد و از نظر گونه‌شناسانه با گونه تهکم، و طنز و هزل در ارتباط است. همان‌طور که زمستان پایان سال است، گونه تهکم نیز پایان یک دوره ادبی یا هنری محسوب می‌شود. بنابراین، زمستان همچون مرگ، شب و پایان رودخانه بیانگر پایان یک عصر، یک مکتب یا یک دوره ادبی و هنری است. گونه هنری زمستان با تهکم در ارتباط است؛ از جهتی دیگر تهکم نزدیک‌ترین گونه به واقع‌گرایی نیز محسوب می‌شود، به همین روی تهکم زمستان، دورترین فصل گونه به تابستان رمانس است و با بهترین شکل به اسطوره مرتبط است. (نامورمطلق ۱۳۹۳: ۶۰) در مرحله نخست این میتوس با مرحله نخست میتوس کمندی (بهار) موازنه دارد. در این مرحله جامعه موجود همان‌گونه که هست، می‌ماند و هیچ تحرکی ندارد. حس پایان‌یافتگی با بیهودگی و پوچی بر این مرحله مسلط است. با خشکسالی که از جنگ با افراسیاب نصیب ایران شد، جامعه به سقوط فاجعه‌آمیز خود نزدیک می‌شود. در مرحله دوم کمندی، انتقاد بدون انگیزه دگرگونی، گسترش یافته است. پس از مرگ سیاوش، رکود و نزولی که بر جامعه حکم فرما شده، دلیلی برای نقد بر شرایط موجود شده است. در اینجا بیش از پیش جامعه نیاز به دگرگونی را حس می‌کند و خواستار تحول شده است، از این روی با آوردن کیخسرو فرزند سیاوش جامعه‌ای تازه ظهور می‌کند. که این مرحله با مرحله سوم میتوس زمستان (هزل) همخوانی دارد. با رسیدن به مرحله چهارم، دوری می‌زنیم و به سمت جنبه طنزآمیز تراژدی سیر می‌کنیم. اشتباه فردی، افراد را در وضعیت تازه‌ای قرار می‌دهد. (فرای ۱۳۹۱: ۲۸۵) مرحله پنجم که با مرحله پنجم یا مرحله تقدیرگرایی تراژدی مطابقت دارد، طنزی با تاکید عمده بر دایره

طبیعت است؛ یعنی گردش بی وقفه و ناگسسته چرخ سرنوشت و بخت. مرحله ششم و آخر در این میتوس، با مرحله ششم پاییز (تراژدی) همخوانی دارد و زندگی انسان را بر حسب اسارتی عرضه می کند که خلاصی از آن ممکن نیست. زمینه های آن نمایش زندان و دارالمجانین و اعدام گاهاست و فرق آن با دوزخ عمدتاً در این است که در تجربه انسان، رنج با مرگ به پایان می رسد. دنیای این مرحله هول انگیز و وحشت آور است. سه مرحله نخست میتوس زمستان (هزل) با سه مرحله نخست میتوس بهار، و سه مرحله دوم آن با سه مرحله دوم میتوس پاییز موازنه دارد. همان گونه که پیش تر ذکر شده است، داستان جنگ بزرگ در این میتوس نیز همانند میتوس پاییز (کمدی)، از سه مرحله دوم خود گذر نکرده است و در هیچکدام از نگاره های مطالعه شده میتوس زمستان دیده نشده است.

جدول ۱. تحلیل نگاره شماره یک بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو

نام اثر	مجلس دوازدهم: دیدار سیاوش و افراسیاب
نوع میتوس	تراژدی (پاییز)
توضیحات	<p>با توجه به روایت مذکور، می توان این نگاره را مرتبط با میتوس پاییز (تراژدی) دانست. پاییز شروع یک پایان است و در این دوره، گونه تراژدی و انواع غمناکها رایج است. امید از دست می رود و دیگر دلیلی بر خوشی و نشاط وجود ندارد. معصومیت و پاکی سیاوش تا بدان حد است که در برابر فتنه سودابه و برای حفظ طهارت، تن به جنگ با افراسیاب می دهد. رفتن به سرزمین دشمن، ناشی از معصومیت نوجوانی و توأم با ناپختگی است؛ همچنین صلیحی که بین او و افراسیاب صورت می گیرد، می تواند ناشی از خطای فردی او و آغاز تراژدی بر سرگذشتش باشد. رسیدن به وضعیت آرمانی و بنا کردن سیاوش گرد و ازدواج با دختر افراسیاب و نیز مصیبتی که در پس این آرامش قرار گرفته، به خوبی بیانگر جنبه های تراژیک این داستان است. البته قابل ذکر است که جنبه های تراژدی این روایت از سه مرحله اول میتوس پاییز فراتر نمی رود و به میتوس زمستان (هزل) سیر نمی کند.</p>



منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کلاخ موزه نیاوران

جدول ۲. تحلیل نگاره شماره دو بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو



منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کاخ موزه نیاوران

نام اثر	مجلس پانزدهم: با گرز زدن هومان رستم را و گریختن افراسیاب از جنگ رستم
نوع میتوس	کمدی (بهار)
توضیحات	پس از مرگ سیاوش، کنش‌های رستم و جامعه‌ای که حول محور او شکل می‌گیرد بیش از هر چیزی یادآور میتوس بهار (کمدی) است. جامعه‌ای که در حالت ایستا و بدون پویایی است و تازه می‌خواهد حرکتی را شروع کند. این جامعه به کمک قهرمان (رستم) دگرگون شده است و تمام تلاش خود را برای رسیدن به هدف به کار می‌گیرد و از این جهت نیز خوشحال است. اما این میتوس نیز، از سه مرحله اول خود فراتر رفته و وارد سه مرحله بعدی که با میتوس تابستان (رمانس) همخوانی دارد، نمی‌شود.

جدول ۳. تحلیل نگاره شماره سه بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو



منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کاخ موزه نیاوران

نام اثر	مجلس شانزدهم: رها کردن گیو پیران را به خواست فرنگیس و خستن گوش او
نوع میتوس	کمدی (بهار)
توضیحات	در این بخش نیز در ادامه نگاره قبلی، میتوس بهار (کمدی) را به تصویر می‌کشد. جامعه‌ای که توسط رستم قواعد و اسلوب تازه‌ای پیدا کرده بود و نسبت به تحولات بیرونی از خود واکنشی نشان نمی‌دهد. پس از حمله افراسیاب به ایران و به بار آوردن قحطی و خشکسالی طولانی مدت، جامعه دچار رکود و اضمحلال شد. در اینجا بیش از پیش، نیاز به تغییر شرایط و تغییر فصل‌گونه احساس می‌شود. با رفتن گیو به توران به منظور یافتن کینخسرو و برگرداندن او به ایران امیدی تازه بر جامعه حکم‌فرما می‌شود. قهرمان برای رسیدن به فردیت و تعادل خود و جامعه و بازایی، سفر خود را آغاز می‌کند.

جدول ۴. تحلیل نگاره شماره چهار بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو



منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کاخ موزه نیاوران

نام اثر	مجلس بیست و هشتم: رزم گودرز با پیران و کشته شدن پیران
نوع میتوس	رمانس (تابستان)
توضیحات	رمانس همواره با هر تغییری در جامعه مجدداً ظهور می‌کند و آرمان‌های جدید را جستجو می‌کند. به همین دلیل است که رمانس دوران مختلف، ماهیت متفاوتی دارند. در این نگاره قهرمان رمانسی گودرز است. گودرز تا به اینجا آزمون‌ها و ماجراهای بسیاری را در جهت آسایش جامعه پشت سر گذاشته است و برای حفاظت از این آسایش به ورطه محافظه‌کاری می‌افتد.

جدول ۵. تحلیل نگاره شماره پنج بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو

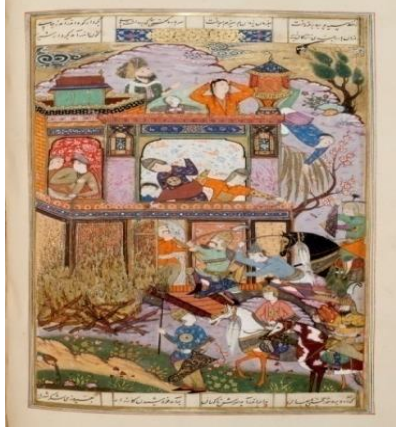


منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کاخ موزه نیاوران

نام اثر	مجلس بیست و نهم: کشته شدن شیده به دست کیخسرو
نوع میتوس	رمانس (تابستان)
توضیحات	در این بخش از روایت، قهرمان با کمک فر ایزدی که نشانی از معصومیت اوست، به همراه خرد و اندیشه بر شیده مسلط می‌شود و به نوعی به سوی دنیای تجربه سوق پیدا می‌کند. در حقیقت جامعه در اینجا در حال پوست انداختن و رجعت به اصل خویش است و قهرمان زمینه لازم را برای این رجعت فراهم می‌کند. این نشانه‌ها در الگوی میتوس‌های فرای یادآور میتوس تابستان و منطبق با نوع ادبی رمانس است.

جدول ۶. تحلیل نگاره شماره شش بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو



منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کاخ موزه نیاوران

نام اثر	مجلس سی‌ام: رزم کیکسرو با افراسیاب و گرفته شدن گنگدژ
نوع میتوس	رمانس (تابستان)
توضیحات	این نگاره نیز مانند نگاره‌های قبلی، بیانگر دوره اوج و قدرت و گونه مرتبط با آن رمانس است. روایت‌هایی که حول محور کیکسرو استوار شده است، ارتباط تنگاتنگی با این میتوس دارد و اغلب به این میتوس تعلق می‌گیرد. سیر و سلوک کیکسرو برای از بین بردن افراسیاب و بازگرداندن خوشبختی به جامعه و همین‌طور تلاش برای حفظ این نظم، شکل نهایی میتوس رمانس را به خود می‌گیرد.

جدول ۷. تحلیل نگاره شماره هفت بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو

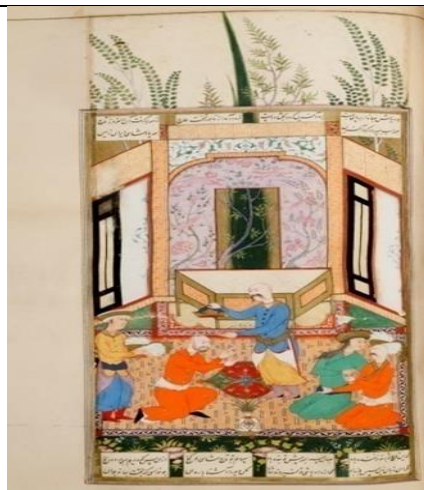


منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کاخ موزه نیاوران

نام اثر	مجلس سی‌ویکم: گرفتار شدن افراسیاب و کشته شدن او به دست کیکسرو
نوع میتوس	رمانس (تابستان)
توضیحات	در این نگاره، بنابر آنچه گفته شد، کیکسرو با کمک ایزد هوم بر افراسیاب فاتح می‌آید. حاصل این پیروزی رجعت مطلوب و آرمان شهر موعود و بازگرداندن شادی و نعمت به ایرانیان و خاتمه ماجراها است. جامعه پس از کش و قوس بسیار آرام می‌گیرد و با یک جهان آرمانی روبه‌رو می‌شود. در این زمان بازایی، تولد دوباره، امید و نوشدن مملکت فردیت می‌یابد. قهرمان در گذر از پیچ اصلی روایت موفق می‌شود جامعه را به خوشبختی و نظم نوین مورد نظر فرای برساند. سیر وقایع طوری رقم می‌خورد که با مهم‌ترین میتوس از نظر شکوفایی؛ یعنی چهار مرحله آخر میتوس تابستان (رمانس) همخوانی دارد.

جدول ۸. تحلیل نگاره شماره هشت بر اساس نظریه میتوس فرای

شاهنامه شاملو



منبع نگاره: آرشیو کتابخانه کاخ موزه نیاوران

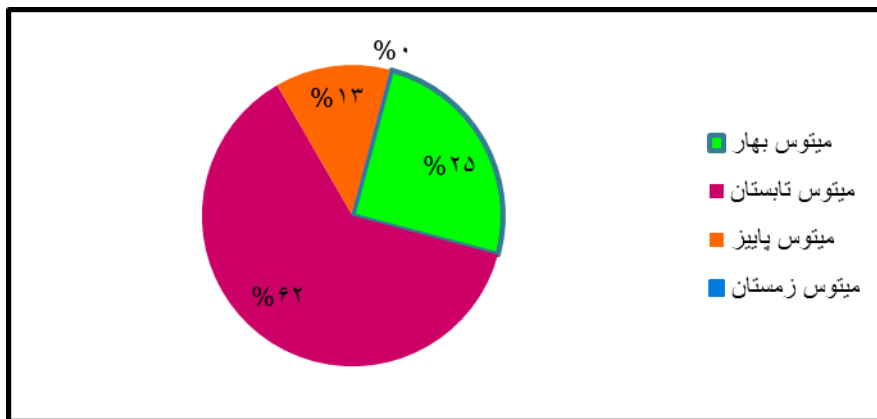
نام اثر	مجلس سی و دوم: دادن کیخسرو و تاج پادشاهی را به لهراسپ
نوع میتوس	رمانس (تابستان)
توضیحات	آخرین تصویر، همانند تصاویر پیشین بیانگر میتوس تابستان (رمانس) است. معصومیت کامل دوران زندگی کیخسرو، همچنین وارد شدن به آزمون‌ها و خون‌ها برای بازگرداندن آرامش و آسایش به جامعه، استقرار جامعه‌ای خوشبخت همراه با عدل و داد از همه جهات و پایان تأمل‌انگیز او که برای از دست ندادن معصومیت خود به گوشه‌نشینی روی می‌آورد و تاج و تخت را به لهراسپ می‌سپارد و سرانجام ناپدید می‌شود، سیر کاملی از میتوس تابستان را به نمایش می‌گذارد.

نتیجه

نظریه میتوس فرای خود به چهار قسمت تقسیم شده که نمایانگر چرخه فصول هستند. این چرخه در روایت جنگ بزرگ از میتوس بهار که در گردش با توالی دور فصول در مرحله اول قرار دارد شروع شده است، جایی که داستان جنگ بزرگ کیخسرو با مرگ سیاوش کلید خورده است. میتوس بهار دوره نوزایی و جامعه ایستایی را به نمایش می‌گذارد که به کمک فه‌رمان، خواستار تغییر وضعیت هستند. جامعه‌ای که بعد مرگ سیاوش چشم به منجی بعدی (کیخسرو) دوخته است در تلاش ابقاء خود و برگشت به شرایط آرمانی خود هستند. با ولادت کیخسرو و سیروسلوک او برای رساندن جامعه به وضعیت رویایی و عدالت و اعتدال داستان وارد میتوس تابستان می‌شود. تابستان دوره اوج و قدرت است. پایان کار کیخسرو به نوعی یادآور میتوس پاییز است اما، تراژدی آن در سه مرحله اول میتوس پاییز قرار دارد؛ یعنی با مراحل اولیه پاییز که هنوز جلوه‌هایی از

میتوس تابستان در آن مشهود است منطبق می‌باشد. با بررسی مرحله به مرحله تمامی میتوس‌ها به نظر می‌رسد که روایت مذکور از سه مرحله اول تراژدی جلوتر نرفته و به میتوس زمستان نمی‌رسد.

شایان ذکر می‌باشد طرح چهارگانه نظریه میتوس بر روی هر نگاره به صورت مجزا کاریست بس دشوار. از این روی در این پژوهش سعی بر آن شده است که با استفاده از کهن‌الگوها و نمادهای به کار رفته در هر نگاره، بتوان آن را به نظریه میتوس مد نظر فرای تعمیم داد. در نظریه میتوس هر یک از این فصول با یکدیگر در یک جهت چرخشی مرتبط می‌شوند. همچنین هر یک در تضاد با یکی و هم‌نشینی با دو دیگری قرار دارند. از آنجایی که پیش‌تر در همین پژوهش ذکر شده است روایت جنگ بزرگ کیخسرو بیشترین نزدیکی را در چرخه فصول با میتوس تابستان و بهار دارد و در این چرخش بهم مرتبط هستند و کمترین ارتباط را با گونه تراژدی (پاییز) دارد؛ این چرخه در تقابل با بهار (کمدی) و در هم‌نشینی با مراحل اولیه میتوس تابستان قرار دارد. با توجه به یافته‌های تحقیق، گونه هزل (زمستان)، همان‌طور که در روایت، مرحله‌ای را به خود اختصاص نداده، در هیچ نگاره‌ای نیز استفاده نشده است. نمودار زیر درصد استفاده از چرخه فصول را در هشت نگاره منتخب شاهنامه شاملو نمایش می‌دهد.



نمودار ۱. نمودار چرخه فصول در نمونه‌های موردی

جدول ۹. جدول چهار فصل در نمونه‌های موردی

نام اثر	میتوس کمدی	میتوس رمانس	میتوس تراژدی	میتوس هزل
دیدار سیاوش و افراسیاب			✓	
با گرز زدن هومان رستم را و گریختن افراسیاب از چنگ رستم	✓			
رها کردن گیو پیران را به خواست فرنگیس و خستن گوش او	✓			
رزم گودرز با پیران و کشته شدن پیران			✓	
کشته شدن شیده به دست کیخسرو			✓	
رزم کیخسرو با افراسیاب و گرفته شدن گنگدژ			✓	
گرفتار شدن افراسیاب و کشته شدن او به دست کیخسرو			✓	
دادن کیخسرو و تاج پادشاهی را به لهراسب			✓	

کتابنامه

- اسماعیل پور مطلق، ابوالقاسم. ۱۳۸۷. *اسطوره بیان نمادین*. ج ۲. تهران: سروش.
- _____ . ۱۳۸۹. «اسطوره کیخسرو در شاهنامه». بخارا. ش ۷۶. صص ۷۳-۵۷.
- ایرانی، محمد و سمیه بیگلری. ۱۳۹۲. «بررسی و تحلیل دو تراژدی سهراب و فرود بر پایه نظریه میتوس تراژدی فرای». *ادب پژوهی*. ش ۲۶. صص ۱۴۶-۱۱۹.
- تایسن، لوئیس. ۱۳۸۷. *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*. ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز، حکایت قلم‌نویس.
- حاج‌نوروزی، ندا. ۱۳۹۱. «بررسی داستان سیاوش بر اساس نظریات نورتروپ فرای». پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینی‌راد، عبدالمجید. ۱۳۹۲. «پژوهشی برای معرفی شاهنامه مصور نو یافته از دوره صفوی (شاهنامه شاملو)». *نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*. ش ۴. صص ۵۴-۴۳.
- رویانی، وحید. ۱۳۹۳. «کهن‌الگوی جنگ بزرگ کیخسرو». *مجله مطالعات انتقادی ادبیات*. شماره ۱. صص ۸۳-۶۹.

- علوی مقدم، مهیار و مریم ساسانی. ۱۳۸۷. «فرایند نقد اسطوره‌ای در نقد و تحلیل کهن‌الگوی (مرگ و تولد دوباره)». *مجله مطالعات ایرانی*. ش ۱۴. صص ۲۳۶-۲۲۱.
- فرای، نورتروپ. ۱۳۹۱. *تحلیل نقد کالبدشکافی نقد*. ترجمه صالح حسینی. چ ۲. تهران: نیلوفر. قائمی، فرزاد؛ یاحقی، محمدجعفر و مهدخت پورخالقی. ۱۳۸۸. «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی بر اساس نقد اسطوره‌ای». *ادب پژوهی*. ش ۱۰. صص ۵۷-۸۲.
- مختاریان، بهار. ۱۳۸۸. «نورتروپ فرای و نقد اسطوره‌ای». *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*. ش ۱۴. صص ۱-۳۷.
- ملک‌پایین، مصطفی و علی‌اکبر سام‌خانیا. ۱۳۹۲. «تحلیل میتوس‌های روایی لشکرکشی کیکاوس به مازندران در شاهنامه». *مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*. س ۵. ش ۴. صص ۱۷۶-۱۵۱.
- نامورمطلق، بهمن. ۱۳۹۳. *اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد نورتروپ فرای*. تبریز: موغام.

English sources

welch, Anthony. 1976. *Artists for the shah, late sixteenth- century painting At the imperial of iran*, New haven and yale iniversity, press.

References

- Alavī Moqaddam, Mahyār and Maryam, Sāsānī. (2008/1387SH). "Farāyande Naqde Ostūreh-ī dar Naqd va Tahlīle Kohan-olgū-ye (Marg va Tavallode Dobāre)" ("The process of mythic critique in the critique and analysis of the archetype (death and rebirth)"). *Journal of Iranian studies*. No. 14. P.p. 221-236.
- Esmā'īl-pūr, Abo al-qāsem. (2008/1387SH). *Ostūre Bayāne Namādīn (The Myth of symbolic)*. 2nd ed. Tehrān: Sorūš.
- Esmā'īl-pūr, Abo al-qāsem. (2010/1389SH). "Ostūre Key-xosrow dar Šāh-nāme" ("The Myth of kaykhosrow in the shahnameh"). *Boxārā*. No. 76. Pp. 57-73.
- Frye, Northrop. (2012/1391SH). *Tahlīle Naqde Kālbod-šekāfti-ye Naqd (Critical Anatomy Analysis of Criticism)*. Tr. by Sāleh Hoseynī. 2nd ed. Tehrān: Nīlūfar.
- Hāj Nowrūzī, Nedā. (2012/1391SH). *Barrasī-ye Dāstāne Sīyāvāš bar Asāse Nazarīyāte Northrop Frye ("Study of Siāvash's story based on Northrop Frye theories")*. MA Thesis. Persian Language and Literature. Allameh Tabatabaei University.
- Hoseynī-rād, Abdo al-majīd. (2013/1392SH). "Pažūhešī Barāye Mo'arefī-ye Šāh-nāme Mosavvare Now Yāfte az Dowre-ye Safavī (Šāh-nāme-ye Šāmlū) Mote'aleq be Ketāb-xāne-ye Mūze Nīyāvarān, Tehrān" ("A research to introduce the illustrated Shahnameh from the Safavi period (Shahnameh Shamloo)"). *Journal of fine Arts-Visual Arts*. No. 4. P.p. 43-54.
- Īrānī, Mohammad and Bīglarī, Somayyeh. (2013/1392SH). *Barrasī va Tahlīle do Terāžedī-ye Sohrāb va Forūd bar Pāye Nazarīye mythos Terāžedī-ye Frye ("Study and analysis of the two tragedies of Sohrāb and Foroūd based on the theory of the mythos of Frye tragedy")*. *Research literary*. No. 26. Pp. 119-146.
- Malek-pāyīn, Mostafā and Sām-xānī-yān, Alī-akbar. (2013/1392SH). "Tahlīle Mythoshā-ye Revāyī-ye Laškar-kešī-ye Key-kāvūs be Māzandarān dar Šāh-nāme" ("Analysis of the Narrative Mythos of the Kikavus's Expedition to Mazandaran in the Shahnameh"). *Journal of poetry Research (Bustan Adab) Shirāz University*. 5th Year. No. 4. P.p. 151-176.
- Moxtā-rī-yān, Bahār. (2009/1388SH). "Northrop Frye va Naqde Ostūreh-ī" ("Northrop Frye and Mythical Critique"). *Journal of the Academy of Arts*. No. 14. P.p. 1-37.

Nāmvar Motlaq, Bahman. (2014/1393SH). *Ostūre va Ostūre-šenāsī Nazde Northrop Fry (Myth and Mythology in Northrop Fry)*. Tabrīz: Mūqām.

Qā'emī, Farzād; Yāhaqī, Mohammad-ja'far and Pūr-xāleqī, Mah-dox. (2009/1388SH). "*Tahlīle Namādīnegī-ye Anāsore Xāk va Bād dar Asātīr va Šāh-nāme-ye Ferdowsī bar Asāse Naqde Ostūreh-ī*" ("*Symbolic Analysis of Soil and Wind Elements in ferdowsi Mythology and Shahnameh Based on Mythicsl Criticism*"). *Research literary*. No. 10. P.p. 57-82.

Rowyānī, Vahīd. (2014/1393SH). "*Kohan-olgū-ye Jange Bozorge Key-xosrow*" ("*The archetype of the Great War of Kaykhosrow*"). *Journal of Critical Studies of Literature*. No. 1. P.p. 69-83.

Tyson, Lois. (2008/1387SH). *Nazarīyehā-ye Naqde Adabī-ye Mo'āser (Critical theory today: a user...,)*. Tr. by Māzīyār Hoseyn-zādeh and Fātemeh Hoseynī. Tehrān: Negāhe Emrūz va Hekāyate Qalame Novīn.